ای خدای مهربان صغیرم مستجیرم اسیرم مجیر شو ظهیر شو دستگیر شو سرگردانم سر و سامان بخش محتاجم کنز ملکوت عطا فرما مرده‌ام روح حیات بخش عاجزم قدرت و قوت عنایت کن تا بکمال تنزیه و تقدیس کنیزی آستانت نمایم و فدا و قربانت گردم از خود بیزار شوم ترا جویم و در راه رضایت پویم و راز تو گویم و بهر سو که نگرم آیات توحید تو مشاهده کنم ای خداوند مانند آتش محبتت افروخته کن و از تعلق به این دنیای فانی آسوده نما تا راحت جان یابم و آسایش وجدان جویم توئی مقتدر و توانا و توئی شنونده و بینا